

تحلیل انتقادی شبهه‌ی دکتر سها

درباره‌ی مدت بارداری در قرآن کریم*

صدیقه گوهری بهاری^۱

محمد علی رضایی اصفهانی^۲

غلامرضا نورمحمدی^۳

چکیده

قرآن کریم کتاب هدایت است. آموزه‌های وحیانی این کتاب آسمانی، همواره بشر را به مسیر صحیح زندگی و سعادت حقیقی راهنمایی نموده تا به جایگاه شایسته‌ی خویش در عالم هستی نایل آید. معاندان همواره با انگیزه‌ی ایجاد شک و تردید در اذهان مردم، به طرح شبهاتی نسبت به معارف قرآن کریم پرداخته‌اند تا آنان را از این تعالیم روحبخش محروم سازند. یکی از این شبهات، دیدگاه قرآن درباره‌ی طول مدت حمل در انسان است که در کتاب نقد قرآن مطرح شده است. دکتر سها در این شبهه با استناد به آیات ۱۴ سوره لقمان و ۱۵ سوره احقاف ادعا کرده که از دیدگاه قرآن کریم، مدت بارداری در انسان شش ماه است؛ در حالی که دانش پزشکی، این مدت را نه ماه می‌داند. دکتر سها بر همین اساس، مدعی خطای علمی قرآن کریم در موضوع مدت بارداری شده است. برآیند پژوهش حاضر که با روش تحلیلی-توصیفی انجام شده، نشان می‌دهد که طرح این شبهه ناشی از انتخاب گزینشی آیات از سوی شبهه گر، بی توجهی وی به تفاسیر معتبر، عدم مراجعه به روایات و حتی یافته‌های دقیق دانش پزشکی در موضوع مدت حمل است که سستی و بی اساس بودن این شبهه را نشان می‌دهد.

کلید واژه‌ها: مدت حمل، مدت شیردهی، یافته‌های پزشکی، نقد قرآن، سها.



مقدمه

شناخت رابطه ی قرآن و علوم تجربی، یکی از موضوعات مورد علاقه ی بسیاری از اندیشمندان مسلمان و حتی غیر مسلمان است. به دلیل توجه قرآن کریم به موضوع بهداشت و سلامت، آیات بسیاری را می توان یافت که در آنها اشاراتی به مباحث پزشکی وجود دارد. اما گروهی از روی کج اندیشی یا غرض ورزی نسبت به این بخش از آموزه‌های وحیانی قرآن کریم تشکیک نموده و مدعی تعارض آن با یافته‌های دانش پزشکی شده اند. کتاب «نقد قرآن» که از سوی فردی با نام «دکتر سها» تألیف شده، از جمله آثاری است که با طرح شبهات متعدد، چنین اهدافی را دنبال می کند. یکی از این شبهات در مورد مدت بارداری از نظر قرآن مطرح شده است. نویسنده در این شبهه، مدعی شده که به استناد برخی از آیات، قرآن کریم مدت بارداری در انسان را ۶ ماه می داند و این از نظر دانش پزشکی مطلبی نادرست است. پژوهش حاضر در صدد است با بهره گیری از یافته‌های مفسران، منابع متقن روایی و با روش تحلیلی-توصیفی به صورت مستند و مستدل به این شبهه پاسخ دهد.

۱. پیشینه تحقیق

طرح شبهات در مورد قرآن کریم از زمان نزول آیات آن آغاز شده است. بخشی از این شبهات، ناظر به اشارات علمی قرآن است که معاندان تلاش کرده اند نوعی تعارض میان مباحث علمی قرآن بویژه در حوزه ی علوم تجربی با علم جدید به مخاطبان این کتاب آسمانی القا نمایند. مومنان و قرآن پژوهان نیز همواره به فراخور دانش و شرایط زمان خویش به این شبهات پاسخ داده اند. از جهت پیشینه ی عام، پژوهش‌های متعددی را از صدر اسلام تاکنون می توان یافت که به نقد مبانی شبهات، روش شناسی و یا منابع آنها پرداخته اند. در بخش پیشینه ی خاص نیز تحقیقاتی در قالب کتاب، پایان نامه یا مقاله از سوی صاحب نظران در پاسخ به شبهات مطرح در کتاب نقد قرآن صورت گرفته است که مختصراً به برخی از آنها اشاره می شود.

۱. «توطئه جدید» نوشته ی ناصر مکارم شیرازی. نویسنده در این کتاب، برخی از ایرادات وارد شده از سوی سها را مورد نقد قرار داده و با استناد به منابع تفسیری و روایی پاسخ داده است.



۲. «بررسی مبانی نقد قرآن، دکتر سها» نوشته‌ی محمد علی رضایی اصفهانی، این کتاب ضمن روش شناسی پاسخگویی به شبهات، مبانی کتاب نقد قرآن را تشریح کرده و سپس بر اساس تفاسیر معتبر، به پاسخگویی شبهات پرداخته است.

۳. «تحلیل انتقادی انگاره دکتر سها درباره موانع آزادی زنان در قرآن» نوشته‌ی علی آقاصفری. نویسنده در این مقاله، بر اساس منابع متقن لغوی، روایی و تفسیری، مبانی شبهه را تحلیل کرده و بکارگیری مغالطات و افکار حس گرایانه را در طرح شبهه، نتیجه گرفته است.

۴. «بررسی شبهات قرآن و علم و شیوه برخورد با آنها با تاکید بر نظریات آیت الله معرفت و دکتر سها» نوشته‌ی محمدعلی رضایی اصفهانی و علی محمد راهی. در این مقاله شبهات قرآن و علم و شیوه برخورد با آنها از سوی آیت الله معرفت و دکتر سها همراه با ذکر نمونه‌هایی بررسی و مورد مقایسه قرار گرفته است.

۵. «بررسی و نقد شبهات آیات جنین در قرآن» نوشته‌ی صمد اسمی قیه باشی، عبدالرضا زاهدی.

۶. «بررسی انتقادی برخی شبهات پزشکی دکتر سها پیرامون آیاتی از قرآن کریم و سنت نبوی» نوشته‌ی زهرا خیراللهی، احمدشجاعی و حسین رضایی. در این مقاله، نویسندگان، برخی از شبهات پزشکی کتاب نقد قرآن را تحلیل نموده و با استفاده از کتب پزشکی مرجع و معتبر به آن پاسخ داده اند.

۷. «بررسی شبهات دکتر سها در مورد هفت آسمان در قرآن کریم» نوشته‌ی حسین رضایی و فرج الله میر عرب. نویسندگان در این پژوهش پس از بررسی شبهه‌ی هفت آسمان در کتاب مبانی نقد قرآن، با دلایل مبتنی بر دانش جدید و تفاسیر معتبر به آن پاسخ داده اند.

۸. «بررسی شبکه‌ی معنایی نطفه در قرآن کریم با پاسخ به شبهات» نوشته‌ی عبدالرضا زاهدی، صمد اسمی و غلامرضا خوش نیت. پژوهشگران در این مقاله، به بررسی دوشبهه پیرامون نطفه پرداخته و با استفاده از دیدگاه مترجمان، مفسران و دانشمندان جنین شناسی، آن را پاسخ داده اند.

۹. «نقد شبهه‌ی سها درباره‌ی جدایی قرآن از علوم تجربی» نوشته‌ی زینب جعفری مرنندی و صمد اسمی قیه باشی. در این مقاله، دیدگاه سها درباره‌ی علم از



نظر قرآن کریم، مورد نقد قرار گرفته و سعی شده تا با ارائه‌ی تفسیری صحیح از آیات مرتبط، به این شبهه پاسخ داده شود.

۱۰. «بررسی انتقادی شبهات کتاب نقد قرآن، پیرامون آیات مربوط به جنین شناسی» نوشته‌ی زهرا خیراللهی و حسین رضایی. در این مقاله، شبهات مربوط به مراحل تکامل جنین و جنسیت آن واکاوی شده و درمقابل، دیدگاه قرآن و سنت تشریح گردیده است.

۱۱. «دفاع از قرآن در رد کتاب نقد قرآن» نوشته‌ی محمدباقر حیدری نسب. این کتاب ضمن روش شناسی سها در رد قرآن، برخی از شبهات علمی را بررسی و پاسخ داده است.

۱۲. «تحلیل انتقادی انگاره‌های کتاب نقد قرآن پیرامون آیات فرهنگ زمانه» نوشته‌ی سید محمد جواد اسدی، فرهاد محمدی نژاد و رضا علی کرمی. در این مقاله، شبهه‌ی تاثیرپذیری قرآن از فرهنگ زمانه و خاستگاه آن مورد بررسی قرار گرفته و بر اساس مستندات قرآنی و تاریخی رد شده است.

۱۳. «نقد و بررسی کتاب نقد قرآن» نوشته‌ی سید محمد رضا علوی سرشکی. نویسنده در این کتاب به برخی از توهّمات دکتر سها در زمینه‌های مختلف اشاره کرده و سپس با استناد به تفاسیر، روایات و سایر منابع معتبر، به آنها پاسخ داده است.

پژوهش‌های یاد شده هر کدام با رویکردی متفاوت، شبهاتی از کتاب نقد قرآن را بررسی کرده اند؛ اما موضوع مورد نظر تاکنون در هیچ مطالعه‌ای بصورت مستقل مورد بررسی قرار نگرفته است. این پژوهش به دنبال آن است که شبهه‌ی طول مدت بارداری را با توجه به آیات مرتبط در قرآن کریم، دیدگاه مفسران و یافته‌های دانش پزشکی مورد تحلیل قرار دهد.

۲. طرح شبهه

کتاب مبانی نقد قرآن اثر شخصی با نام مستعار «دکتر سها» در ۲۳ فصل تنظیم شده است. نویسنده در این کتاب، تقریباً تمامی شبهات قرآنی را در گستره‌ی دانش‌های مختلف جمع‌آوری و دسته‌بندی کرده است تا ادعای تعارض بین آموزه‌های قرآن با یافته‌های علم جدید را اثبات کند. در بخشی از این کتاب، به موضوع طول مدت بارداری در انسان اشاره شده است. نویسنده با استناد به برخی



از آیات قرآن و یافته‌های دانش پزشکی، کوشیده تا ادعای خود مبنی بر خطای علمی قرآن درباره‌ی مدت بارداری را ثابت کند. در پژوهش حاضر، ابتدا متن شبهه از کتاب «مبانی نقد قرآن» بدون هرگونه دخل و تصرف تبیین شده و سپس با مراجعه به قرآن کریم، نظرات مفسران و روایات مورد تحلیل و بررسی قرار خواهد گرفت.

دکتر سها به منظور طرح شبهه، ابتدا به آیه‌ی ۱۵ سوره احقاف اشاره کرده است: «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمْلُهُ وَفَصَالُهَا ثَلَاثُونَ شَهْرًا» (احقاف/۱۵)؛ «و انسان را نسبت به پدر و مادرش به احسان سفارش کردیم. مادرش با تحمل رنج به او باردار شد و با تحمل رنج او را به دنیا آورد و باربرداشتن و از شیر گرفتن او سی ماه است». وی با استناد به آیه‌ی فوق، مجموع دوره بارداری و شیردهی را ۳۰ ماه ذکر دانسته است (سها، ۱۳۹۳: ۶۸). مولف پس از آن، با تمسک به آیه‌ی ۱۴ سوره لقمان، مدت شیردهی را بر اساس نظر قرآن کریم بطور مطلق دو سال (۲۴ ماه) در نظر گرفته است: «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَى وَهْنٍ وَفَصَالُهَا فِي عَامَيْنِ أَنْ اشْكُرْ لِي وَلَوْلَا دَيْكَ إِلَى الْمَصِيرِ» (لقمان/۱۴) «و انسان را درباره پدر و مادرش سفارش کردیم. مادرش به او باردار شد سستی بر روی سستی و از شیر بازگرفتنش در دو سال است که شکرگزار من و پدر و مادرش باش که بازگشت همه به سوی من است» (سها، ۱۳۹۳: ۶۹).

دکتر سها در ادامه، دو آیه‌ی فوق را کنار هم گذاشته و نتیجه گرفته که مدت بارداری در انسان، از نظر قرآن فقط ۶ ماه است: «با کم کردن دوره شیردهی از ۳۰ ماه (۳۰-۲۴=۶) دوره بارداری ۶ ماه می‌شود که غلط است». (همان). مولف کتاب نقد قرآن پس از طرح شبهه، ادعا نموده که عده‌ای از مفسران نیز متوجه این غلط شده‌اند و با سخنان غیر معقولی در پی دفاع از آن برآمده‌اند» (همان).

۳. پاسخ به شبهه‌ی دکتر سها درباره‌ی مدت بارداری از دیدگاه قرآن

دکتر سها در شبهه‌ی طرح شده، به دو آیه‌ی ۱۴ سوره لقمان و ۱۵ سوره احقاف اشاره کرده و بر اساس برداشت خود از این آیات، ادعا کرده که از دیدگاه قرآن کریم، مدت بارداری در انسان ۶ ماه است. شیوه‌ی استدلال سها از لحاظ روش و محتوا دارای اشکالات متعددی بوده و از چند جهت قابل نقد است:





۳-۱. گزینش برخی آیات و عدم مراجعه به آیات دیگر

بی‌شک استوارترین منبع برای تبیین مفاهیم قرآن کریم، خود قرآن است. مفسران و سایر مسلمانان نیز در طول تاریخ همواره برای فهم آیات قرآن از آیات دیگر استفاده کرده‌اند. دکتر سها، خود در این باره می‌نویسد: «پاره پاره بودن مطالب و پراکنده بودن هر مطلب در بین بیش از ۶۶۰۰ آیه، کار فهم نظر قرآن در مورد یک موضوع را بسیار مشکل می‌کند. راه حل اساسی برای مقابله با این مشکل، این است که باید تمام آیات مربوط به یک موضوع را یافت و در کنار هم نهاد» (همان: ۴۳). اما وی در موضوع مدت بارداری در قرآن کریم همانند بسیاری از موارد دیگر، از این ضرورت مهم غافل شده است. باید توجه داشت که مقصود مولف یک کتاب، تنها از یک جمله فهمیده نمی‌شود و باید «یک جمله در کلام متکلم» را با توجه به «همه جملاتش» معنی کرد و متکلم در «مجموعه کلامش و کتابش»، مقصود خود را به خوانندگان می‌فهماند.

در موضوع طول مدت بارداری در انسان، قرآن کریم گرچه با بکار بردن تعابیری مانند «أجل مسمى» (حج/ ۵) و «قدر معلوم» (مرسلات/ ۲۲)، مدت بارداری را معین و دارای زمان مشخصی می‌داند؛ اما در هیچ آیه‌ای، مدت خاصی برای بارداری بیان نکرده است. زیرا این مدت در مورد هر بارداری ممکن است متفاوت باشد. تنها در آیه ۱۵ سوره احقاف که به «ثَلَاثُونَ شَهْرًا» اشاره شده، مجموع مدت بارداری و شیردهی مورد تصریح قرار گرفته است. بنابراین به منظور فهم دیدگاه قرآن کریم درباره مدت بارداری، رجوع به آیات شیردهی و بررسی مفاد این دسته از آیات نیز ضروری است. بجز آیه ۱۵ سوره ی احقاف، دو آیه ی دیگر درباره ی شیردهی وجود دارد: آیه ی ۲۳۳ سوره ی بقره و آیه ی ۱۴ سوره ی لقمان. دکتر سها در طرح شبهه، فقط به آیه ی ۱۴ سوره ی لقمان اشاره کرده و توجهی به آیه ی ۲۳۳ سوره ی بقره ننموده است.

۳-۲. عدم رجوع به تفسیر صحیح آیات

دکتر سها صرفاً با ملاحظه ی عبارت «وَفَصَّالَةٌ فِي عَمَّيْنِ» در آیه ی ۱۴ سوره ی لقمان، مدت زمان شیردهی از دیدگاه قرآن را بطور مطلق دو سال کامل تلقی نموده است. بی توجهی وی به تفاسیر معتبر درباره ی این آیه، منجر به نتیجه گیری نادرست در موضوع مدت بارداری شده است. شده است. وی در موضوع مورد بحث، حتی پا را فراتر نهاده و ادعا کرده که عده‌ای از مفسران نیز متوجه این (به



ادعای وی) غلط شده‌اند و با سخنان غیر معقولی در پی دفاع از آن برآمده‌اند. (سها، نقد قرآن، ۱۳۹۳: ۶۹).

برای روشن شدن موضوع، تفسیر آیات مرتبط به طول مدت بارداری از نظر مفسران شیعه و سنی، بیان شده و اقوال مفسران در این خصوص، مطرح می‌گردد:

۳-۲-۱. بررسی تفسیر آیات مربوط به مدت شیردهی

أ. تفسیر آیه ۲۳۳ سوره بقره

«وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ...» (بقره/ ۲۳۳)؛ «و مادران، فرزندان‌شان را دو سال کامل، شیر می‌دهند. (این) برای کسی است که بخواهد دوران شیر دادن را به اتمام رساند...».

دکتر سها در طرح شبهه‌ی مورد بحث، مدت دو سال شیردهی را بطور مطلق مطرح کرده، بدون این که در حکم مزبور، تفاوتی میان اطفال قائل شود. وی سپس این نظر را به قرآن کریم نسبت داده در حالی که هیچ اشاره‌ای به این آیه نکرده است. دیدگاه مفسران در مورد مدت شیردهی، با توجه به این آیه در سه دسته قابل تقسیم است:

۱- زمانی که بین پدر و مادر در مورد ادامه شیردهی بعد از دو سال اختلاف نظر باشد، حداکثر مدت شیردهی دو سال است (طبری، ۱۴۱۲: ۳۰۴/۲).

۲- مدت شیردهی به نوزادی که پس از مدت ۶ ماه حمل متولد شده باشد، دو سال است. چنین نوزادی باید دو سال کامل شیر بخورد و چنانچه پس از هفت ماه متولد شده باشد، شیردهی بیست و سه ماه باشد و اگر مدت حمل، نه ماه بوده، شیردهی به مدت ۲۱ ماه خواهد بود (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۱۸۱/۲).

۳- شیردهی به مدت دو سال به طور مطلق استحباب دارد (حوی، ۱۴۲۴: ۵۴۷/۱)؛ ولی مدت شیر دادن طفل لازم نیست، همواره دو سال باشد. در این حکم تفاوتی بین مادر مطلقه و غیر مطلقه نیست. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۸۷/۲؛ موسوی سبزواری، ۱۴۰۹: ۶۰/۴). طبق این دیدگاه، حق شیر دادن در دو سال شیرخوارگی به مادر داده شده است و دو سال برای کسی است که می‌خواهد شیر دادن را کامل کند؛ ولی مادران حق دارند با توجه به وضع نوزاد و رعایت سلامت او این مدت را کمتر کنند.



با بررسی دیدگاه مفسران، روشن می‌شود که هیچ یک از آنان، مدت دو سال را به طور مطلق برای شیردهی به هر طفلی لازم ندانسته است. وجود عبارت «لَمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ» در آیه، نقش مهمی در صدور این حکم دارد. مفسرین تنها در مورد طفلی که پس از شش ماه حمل متولد شده، شیر دادن به مدت دو سال را مطرح نموده اند.

ب. تفسیر آیه ۱۴ سوره لقمان

«وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهَنًا عَلَىٰ وَهْنٍ وَفَصَّالَهُ فِي عَامَيْنِ أَنِ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ» و به انسان درباره پدر و مادرش سفارش کردیم- مادرش به او باردارشد، در حالی که سستی بر سستی (می افزود). و از شیر بازگرفتنش در دو سالگی بود- (و به او گفتیم:) که برای من و پدر و مادرش سپاس گوی! که فرجام (همه شما) فقط به سوی من است».

دکتر سها با استناد به این آیه، مدت دو سال شیردهی به طور مطلق را برداشت نموده است تا در طرح شبهه، به نتیجه‌ی دلخواه دست یابد. اما بررسی دیدگاه مفسرین در این زمینه، حقیقت امر را روشن می‌سازد:

۱- به نظر بسیاری از مفسرین، مدت شیردهی در آیه، ظرف دو سال اعلام شده است. این نظر با توجه به عبارت «فی عامین» برداشت می‌شود؛ یعنی در طول دو سال می‌توان طفل را از شیر گرفت.. بنابراین به دلایلی می‌تواند کمتر از این مدت هم باشد و ایرادی ندارد که طفل در خلال دو سال پس از ولادت، از شیر گرفته شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۴۰/۱۷). اشکوری در تفسیر خود می‌گوید: شیردهی دو سال است؛ ولی کمتر از این مدت هم جایز است (اشکوری، ۱۳۷۳: ۳/۵۷۹).

۲- عده ای از مفسرین، منظور از عبارت «و فصاله فی عامین» را، از شیر گرفتن در پایان دو سال دانسته اند؛ لیکن ذیل عبارت «ثلاثون شهراً» تصریح نموده اند که این حکم، خاص طفلی است که پس از حمل شش ماهه متولد شده است. از جمله طبرسی که عبارت «فطامه من الرضاع فی انقضاء عامین» را بکار برده است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۸/۴۹۵)؛ لیکن ذیل آیه‌ی ۱۵ سوره احقاف، تصریح داشته که: «أقل مدة الحمل و کمال مدة الرضاع ثلاثون شهراً» (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۲: ۹/۱۳۰). ابن جوزی نیز در این باره می‌نویسد: «فطامه یقع فی انقضاء عامین» (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۳/۴۳۱) سپس تصریح می‌کند که: «و اعلم أنَّ هذه المدة قدرت لأقل الحمل و أكثر الرضاع» (همان، ۴/۱۰۷). صاحب تفسیر



احسن الحدیث در این باره می نویسد: «فَصَالُهُ فِي عَامَيْنِ» روشن می کند که در دو سال از شیر بریده می شود، بیست یک ماه شیر دادن واجب است؛ ولی اگر تا دو سال بدهد، شیر کامل داده است (قرشی بنابی، ۱۳۷۵: ۲۵۰/۸). با توجه به مطالب فوق، روشن است که مدت دو سال کامل شیردهی به بطور مطلق و برای هر طفلی، از سوی هیچ مفسری واجب شناخته نشده است؛ بلکه به نظر ایشان، این مدت مربوط به طفل حاصل از حمل شش ماهه می باشد و هرچه به مدت حمل افزوده شود، از زمان شیردهی می توان کاست.

۲-۲-۳. تفسیر آیات مربوط به مجموع مدت بارداری و شیردهی

در قرآن کریم فقط یک آیه - آیه ۱۵ سوره احقاف - وجود دارد که به مجموع مدت بارداری و شیردهی، اشاره کرده است. بررسی این آیه، نقش مهمی در برداشت مفسران از طول مدت بارداری دارد:

تفسیر آیه ۱۵ سوره احقاف

«وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمْلُهُ وَفَصَالُهِ ثَلَاثُونَ شَهْرًا... وَبِهِ أَنَسَانَ سَفَارَشَ كَرَدِيمَ كِه بَه پَدَر و مَادَرَش نِیكِي كَنَد؛ مَادَرَش بَا نَاگواری او را بارداری کرد و با ناگواری او را بزاد، و بارداری او و از شیر باز گرفتنش سی ماه است...».

دکتر سها با کاستن مدت دو سال شیردهی از مجموع ۳۰ ماه مذکور در این آیه، نتیجه گرفته که قرآن مدت بارداری در انسان را بطور مطلق شش ماه می داند؛ این دیدگاه در حالی از سوی دکتر سها ارائه شده که هیچ یک از مفسران چنین نظری ندارد. بررسی دیدگاه های مفسران شیعه و سنی حاکی از اجماع ایشان بر دلالت آیه ی فوق نسبت به اقل مدت حمل (یعنی شش ماه) است؛ بگونه ای که هیچ اختلافی در این موضوع میان ایشان وجود ندارد. به عقیده مفسران، چنانچه این آیه را در کنار آیات مربوط به مدت شیردهی قرار دهیم، با کسر ۲۴ ماه مدت شیردهی از ۳۰ ماه مجموع بارداری و شیردهی (۳۰-۲۴=۶) می توان نتیجه گرفت که حداقل زمان بارداری که ممکن است منجر به تولد نوزاد زنده ای با قابلیت ادامه حیات شود، شش ماه است. به همین دلیل این مدت را «دوره قابلیت حیات» نیز نامیده اند. بنابراین مجموع مدت حمل و شیردهی برای طفل حاصل از حمل شش ماهه، بر اساس عبارت «حمله و فصاله ثلاثون شهراً» سی ماه است (نهایندی، ۱۳۸۶: ۵۷۰/۵؛ قاسمی، ۱۴۱۸: ۴۴۵/۸؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۰۱/۱۸؛ صدیق حسن



خان، ۱۴۲۰: ۳۰۰/۶؛ فیاض، ۱۴۲۰: ۱۱۶؛ البار، ۱۴۰۳: ۴۵۳؛ پاک نژاد، ۱۳۶۰: ۲۶۳؛ اغر، ۱۴۲۵: ۷۵؛ طیب، ۱۳۶۹: ۴۲۳/۱۰). شقیطی در این باره می‌نویسد: «هذه الآية الكريمة، ليس فيها بانفرادها تعرض لبيان أقل مدة الحمل، ولكنها بضميمة بعض الآيات الأخرى إليها يعلم أقل أمد الحمل» این آیه کریمه به تنهایی بیانگر اقل مدت حمل نیست لکن با ضمیمه شدن به برخی آیات دیگر، اقل مدت حمل از آن فهمیده می‌شود (شقیطی، ۱۴۲۷: ۲۵۱/۷). اقل مدت حمل از نظر مفسران، زمانی است که می‌تواند منجر به تولد نوزاد زنده شود. شواهد علمی، عملی و روایات نیز این نظر را تأیید می‌کند. برخی از مفسران در تأیید این موضوع، به نقلی از برخی پزشکان پیشین همچون «جالینوس» و «ابن سینا» اشاره نموده‌اند که ایشان گفته‌اند: خود با چشم شاهد چنین امری بوده‌اند که فرزندی بعد از شش ماه به دنیا آمده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۳۲۷/۲۱).

به عقیده مفسران، بر اساس آیات فوق هرچه به مدت حمل اضافه شود، از مدت شیرخوارگی کاسته می‌شود تا مجموعاً ۳۰ ماه کامل گردد. از جمله در روایتی از ابن عباس نقل که هر گاه دوران بارداری زن ۹ ماه باشد باید ۲۱ ماه فرزند را شیر دهد، و اگر حمل ۶ ماه باشد باید ۲۴ ماه شیر دهد (طبرانی، ۲۰۰۸: ۱۰/۶؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۱: ۳۳۱).

۳-۳. عدم توجه به روایات

دکتر سها در ابتدای کتاب نقد قرآن، منابع مورد استناد خود را معرفی کرده است. بر اساس ادعای او، منابع اسلام دو چیز بیشتر نیست. قرآن و سنت محمد. وی سپس روش خود در استفاده از منابع را اینگونه شرح می‌دهد: «این کتاب چون در پی بررسی قرآن است، منبع اولش صرفاً قرآن است و اگر آیه ای وضوح کافی نداشت، برای فهم معنی آن به سنت مراجعه می‌شود». (سها، ۱۳۹۳: ۲۹). اما او در طرح شبهه‌ی مدت بارداری، پایبند به این اصل مهم نبوده است. یکی از منابع مهم در بحث مدت حمل، روایتی است که در بسیاری از تفاسیر نیز مورد استناد قرار گرفته است. در «السنن الکبری» اینگونه نقل شده: «زنی را نزد عمر آوردند که شش ماهه زایمان کرده بود، عمر حکم به سنگسار او داد؛ خبر به علی بن ابیطالب رسید. فرمود: حکم سنگسار بر این زن لازم نیست. عمر از این سخن آگاه شد و از دلیل آن پرسید. علی این آیه را تلاوت نمود: «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضَعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ» و پس از آن، این آیه را خواند: «وَحَمْلُهُ وَفَصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا». پس زن را رها کردند (بیهقی، ۱۴۱۹: ۴۴۲/۷). در برخی از



منابع نیز این روایت به دوران خلافت عثمان نسبت داده شده است (ماتریدی، ۱۴۲۶: ۲۴۶/۹). در تفسیر المراغی آمده که نخستین کسی که حکم اقل مدت حمل را از این آیه استنباط کرد، علی بود. (مراغی، تفسیر المراغی، بی تا: ۲۶/۱۸) ابن کثیر نیز در تفسیر خود می‌نویسد: علی با آیه‌ی «وَحَمْلُهُ وَفَصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا» همراه با آیه‌ای که در سوره‌ی لقمان است یعنی آیه‌ی «وَفَصَالُهُ فِي عَامَيْنِ» و همچنین کلام خدای متعال که فرمود: «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ» استدلال کرد که اقل مدت حمل، شش ماه است و این استدلالی قوی و صحیح است (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۲۵۸/۷). روایات دیگری نیز ناظر به این مضمون وجود دارد که دکتر سها توجهی به هیچ یک نداشته است: مجلسی در بحار الأنوار این گونه نقل نموده است: «يعيش الولد ستة أشهر...». (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰۱/۶۶). وی در جایی دیگر آورده: «لا تلد المرأة لأقل من ستة أشهر» (همان: ۴۰ / ۲۳۳) براساس هردو حدیث، ثابت می‌شود که جنین شش ماهه زنده می‌ماند ولی اگر قبل از شش ماه متولد شود، زنده نخواهد ماند. (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۴۲/۷) اجماع مفسران در مسئله‌ی اقل مدت حمل، موجب اتفاق نظر علما و فقهای شیعه و اهل سنت در این موضوع شده و بر اساس آن، احکام و آثار فقهی مهمی صادر شده است؛ (قاسمی و دیگران، ۱۴۰۱: ۱۱۸) از جمله الحاق فرزند به پدر در صورتی که کمترین مدت حمل که شش ماه است از زمان دخول گذشته باشد (حلی، ۱۴۱۳: ۳/۹۸)؛ همچون ماجرای که در زمان خلافت عثمان اتفاق افتاد و علی علیه السلام با تفقه در کتاب خدا اعلام نمود که وضع حمل پس از ۶ ماه بارداری، ممکن است. (البار، ۱۴۰۳: ۴۵۴) و یا مسئله میراث که بر اساس آن، چنانچه حمل قبل از گذشت اقل حمل (شش ماه) پس از زمان فوت مورث زنده متولد شود، ارث می‌برد. (مغنیه، ۱۴۲۱: ۵۲۹/۲).

۳-۴. عدم توجه به یافته‌های پزشکی

دکتر سها در کتاب نقد قرآن تلاش نموده تا مفاهیم قرآن را در تعارض با یافته‌های علوم تجربی نشان دهد و گاه برای دست یافتن به این هدف، نتایج تحقیقات دانشمندان را در موضوع مورد بحث به درستی بیان نکرده است. گرچه احتمال عدم اطلاع وی از دانش تجربی نیز دور از ذهن نیست. این موضوع شامل شبهه‌ی طول مدت بارداری نیز شده است. وی در طرح این شبهه، به یافته‌های دقیق دانش پزشکی در مورد طول مدت بارداری اشاره‌ای نکرده است و آن را بطور مطلق ۹ ماه دانسته است. بررسی مدت حمل در انسان بر اساس دانش پزشکی حقیقت موضوع نقش مهمی در پاسخ‌گویی به این شبهه دارد:



بررسی مدت حمل از دیدگاه علم پزشکی

مهم ترین پیش فرض در شبهه‌ی مدت حمل، استناد شبهه گران به یافته‌های قطعی دانش پزشکی است که بر اساس آن، مدت بارداری را در انسان، مطلقاً نه ماه می‌دانند. در حالی که دانش پزشکی و به طور مشخص علم جنین‌شناسی، درباره طول مدت بارداری نظرات مشخصی دارد. براساس یافته‌های پزشکی، مدت زمانی که برای رشد و تبدیل سلول تخم به جنین کامل طول می‌کشد، دوره بارداری یا حاملگی نامیده می‌شود. این مدت ۲۸۰ روز یا ۴۰ هفته و بطور دقیق‌تر ۲۶۶ روز یعنی ۳۸ هفته پس از لقاح به طول می‌انجامد (سادلر، ۱۳۸۵: ۱۱۸). لیکن ممکن است بسیاری از مادران طی مدت زمان کمتری بعد از حمل، فرزند خود را به دنیا آورند. این نوع از زایمان در اصطلاح پزشکی، زایمان زودرس نامیده می‌شود. به گفته پزشکان، تنها ۴ درصد زنان در روز ۲۸۰ پس از لقاح زایمان می‌کنند. بنابراین زایمان زودرس یا تولد قبل از ۳۷ هفته حاملگی امری بسیار شایع است و سالانه میلیون‌ها تولد زودرس در دنیا اتفاق می‌افتد (نلسون و کلیگمن، ۲۰۲۰: ۸۰). نوزادان زودرس یا نارس یا پره ترم، به نوزادانی گفته می‌شود که قبل از ۳۷ هفته کامل (۳۶ هفته و شش روز و یا کمتر از آن) به دنیا می‌آیند (کانینگهام، ۲۰۱۸: ۴۸۷/۲). البته نوزادانی که بین ۳۴ تا ۳۶ هفته متولد می‌شوند، تعداد بیشتری هستند و حدوداً بیش از ۷۰ درصد تولدهای زودرس را تشکیل می‌دهند. گرچه جنین تنها در شش ماهگی به بعد می‌تواند زنده بماند و اگر قبل از این زمان به دنیا بیاید خواهد مرد (ج.ایست من، ۱۳۸۱: ۳۷). در سال‌های اخیر، پژوهش‌های فراوانی به منظور شناخت دلایل وضع حمل زنان در زمانی کوتاه‌تر از نه ماه بارداری صورت گرفته است. از مهمترین دلایلی که تا کنون شناخته شده، می‌توان به برخی از انواع عفونت‌ها، تغذیه نادرست مادر، کم خونی مادر، پایین بودن شاخص توده بدنی مادر قبل از حاملگی، فاصله کم بین حاملگی‌ها و... اشاره کرد (مک گوایر، ۱۳۸۶: ۱۶). اما اگر زایمان مادر قبل از هفته ۲۳ بارداری صورت گیرد، به طور مشخص منجر به مرگ نوزاد خواهد شد. احتمال زنده ماندن نوزاد در این حالت، فقط ۵ درصد است و نوزادانی که زنده بمانند دچار عوارض متعددی خواهند بود (کانینگهام، ۲۰۱۸: ۴۸۸/۲). چرا که سلول‌های ریوی نیز به حد کافی رشد نکرده‌اند (سادلر، ۱۳۸۵: ۲۰۶). کثرت موارد زایمان قبل از نه ماه بارداری، به حدی است که ساز و کارهای وسیعی به منظور مراقبت‌های خاص از نوزادان حاصل از بارداری کمتر از نه ماه در نظر گرفته می‌شود.



نتیجه‌گیری

حاصل پژوهش، بیانگر این است که دکتر سها شبهه‌ی موسوم به «طول مدت بارداری در قرآن کریم» را بر اساس برداشت سطحی خود و بدون هیچ گونه استدلال معتبری ارائه نموده است. به اعتقاد جمیع مفسران، عبارت «حمله و فصاله ثلاثون شهراً» در آیه‌ی ۱۵ سوره‌ی احقاف، بر اقل مدت حمل (یعنی شش ماه) دلالت می‌کند. به عقیده ایشان و نیز بر اساس روایات معتبر، این آیه در کنار آیات مربوط به مدت شیردهی دلالت بر آن دارد که حداقل زمان بارداری که ممکن است منجر به تولد نوزاد زنده‌ای با قابلیت ادامه حیات شود، شش ماه است. بنابراین مجموع مدت حمل و شیردهی برای طفل حاصل از حمل شش ماهه، بر اساس سی ماه است و مدت دو سال شیردهی، خاص چنین طفلی است. این نتیجه‌ای است که از بررسی اقوال مفسران در همه‌ی آیات مربوط به مدت حمل به دست می‌آید و با وجود آن، جایی برای شبهه‌ی مدت حمل (که بارداری را صرفاً نه ماه و شیردهی را لزوماً ۲۴ ماه تلقی کرده) باقی نمی‌ماند.

منابع

۱. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، زاد المسیر فی علم التفسیر، اول، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۲۲ق.
۲. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، اول، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۹ق.
۳. اشکوری، محمد بن علی، تفسیر شریف لاهیجی، اول، تهران، دفتر نشر داد، ۱۳۷۳.
۴. اغر، کریم نجیب، اعجاز القرآن فیما تخفیه الأرحام، اول، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۲۵ق.
۵. البار، محمد علی، خلق الانسان بین الطب و القرآن، چهارم، جدّه، نشر دار، ۱۴۰۳ق.
۶. بیهقی، احمد بن حسین، السنن الکبری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۹ق.
۷. پاک نژاد، سید رضا، اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، تهران، اسلامیة، ۱۳۶۰.
۸. نعلبی، احمد بن محمد، الکشف و البیان، اول، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.
۹. ج. ایست من، نیکلسون، نه ماه انتظار (آبستن و مراقبت‌های قبل و بعد زایمان)، ترجمه منیر فیروزگری و مینو علی، تهران، خورشید، ۱۳۸۱.
۱۰. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة الی تحصیل مقاصد الشریعة، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۱۲ق.
۱۱. حلی، حسن بن یوسف، قواعد الأحکام فی معرفة الحلال و الحرام، قم، موسسة النشر الإسلامی، ۱۴۱۳ق.
۱۲. حوی، سعید، الأساس فی التفسیر، ششم، قاهره، دارالسلام، ۱۴۲۴ق.
۱۳. رضایی اصفهانی، محمد علی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، سوم، رشت، کتاب مبین، ۱۳۸۱.



۱۴. سادلر، جنین شناسی پزشکی لانگمن، سادلر، ۲۰۰۶م، ترجمه فرید ابوالحسنی، غلامرضا حسن زاده و امید گوران اوریمی، تهران، ارجمند، ۱۳۸۵.
۱۵. سها، نقد قرآن، بی جا، بی نا، ۱۳۹۳.
۱۶. شنفیظی، محمد امین، أضواء البیان فی إیضاح القرآن بالقرآن، اول، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۷ق.
۱۷. صدیق حسن خان، محمد صدیق، فتح البیان فی مقاصد القرآن، اول، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۰ق.
۱۸. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، دوم، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ق.
۱۹. طبرانی، سلیمان بن احمد، تفسیر القرآن العظیم، اردن، دارالکتب الثقافی، ۲۰۰۸م.
۲۰. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، سوم، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
۲۱. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، اول، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۲ق.
۲۲. طیب، عبدالحسین، اطبیب البیان فی تفسیر القرآن، اول، تهران، اسلام، ۱۳۶۹.
۲۳. فیاض، محمد، اعجاز آیات القرآن فی بیان خلق الإنسان، اول، قاهره، دارالشروق، ۱۴۲۰ق.
۲۴. قاسمی، جمال الدین، محاسن التأویل، اول، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۸ق.
۲۵. قاسمی، محمد حسن؛ حسینی زیدی، سید ابوالقاسم؛ نصرتی، علی، آثار شرعی مترتب بر مدت حمل در مذاهب اسلامی، مجله مطالعات تطبیقی مذاهب فقهی، شماره ۳، ۱۴۰۱.
۲۶. قرشی بنابی، علی اکبر، تفسیر احسن الحدیث، دوم، تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۷۵.
۲۷. کانینگهام، اف گری، بارداری و زایمان ویلیامز ۲۰۱۸م، تهران، اندیشه رفیع، ۱۳۹۸.
۲۸. ماتریدی، محمد بن محمد، تأویلات اهل السنه، اول، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۶ق.
۲۹. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الأطهار، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۳۰. مراغی، احمد مصطفی، تفسیر المراغی، اول، بیروت، دار الفکر، بی تا.
۳۱. مغنیه، محمد جواد، الفقه علی مذاهب الخمسة، بیروت، دارالتیاریت الجدید، ۱۴۲۱ق.
۳۲. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دهم، تهران، دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۷۱.
۳۳. مک گوایر، الفبای تولد زودرس، مترجم: هما صادقی، اول، بشری، ۱۳۸۶.
۳۳. موسوی سبزواری، عبدالأعلی، مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، دوم، بی جا، دفتر سماحة آية الله العظمی السبزواری، ۱۴۰۹ق.
۳۴. نلسون، والدوامرسون و کلیگمن، رابرت، بیماری‌های نوزادان نلسون، بیماری‌های نوزادان نلسون مترجم مریم ویسی زاده، اول، اندیشه رفیع، تهران، ۱۳۹۹.
۳۵. نهاوندی، محمد، نفحات الرحمن فی تفسیر القرآن، اول، قم، مؤسسه البعثة، ۱۳۸۶.